

سفر و همسفر در کلام پیشوایان

مسافرت کنید تا تندرست بمانید

نیره محمودی

در کتاب مکارم‌الاخلاق آمده است که امام صادق(ع) می فرماید: لقمان به پسرش گفت: هر گاه با گروهی مسافرت کردی، درباره کار خود و آنان بیشتر با آنان مشورت کن. بسیار به روی شان لبخند بز. از توشه‌ات به ایشان بیخش. دعوت‌شان را بپذیر، به یاری آنان بشتاب، سکوت طولانی، نماز بسیار و سخاوتمندی را پیشه خودساز، بحق گواه‌شان باش. هر گاه دیدی همسفران می روند با ایشان برو، هر گاه دیدی کار می کنند با آنان کار کن. هر گاه صدقه و قرضی دادند، تو هم شریک آنان شو. از کسی که از تو بزرگ تر است حرف شنوی داشته باش. هر گاه به تو فرمانی دادند و از تو چیزی خواستند، اجابت کن و مخالفت نکن، چرا که «نه» گفتن در ماندگی



و پستی است. این روایت زیبا و جامع، آغازی است بر احادیث و روایات بی شماری که درباره آداب سفر و ویژگی های همسفر آمده است. گزیده‌ای از آن را در ادامه می آوریم.

■ ■ ■

❖ از آداب سفر این است که همسفران هر زینه سفر را پیشاپیش جدا و مشخص کنند که مایه آرامش خاطر و نیکخویی آنهاست- حضرت محمد(ص)

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۸۷۱۱

❖ هر گاه به مسافرت می‌روید در منزلگاه‌ها توقفی کوتاه داشته باشید- رسول اکرم(ص)

❖ با کسی که در توفضیلتی نسبت به خود نمی‌بیند و همچنین تونیز در اوفضیلتی نسبت به خود نمی‌بینی، هرگز در سفر همراهی نکن- حضرت علی(ع)

❖ مسافرت کنید تا تندرست بمانید و روزی کسب کنید- پیامبر اکرم(ص)

❖ مسافرت خود را با صدقه دادن آغاز کن و هرگاه خواستی بیرون برو، زیر(با صدقه دادن) سلامت سفرت را می‌خری- امام صادق(ع)

❖ نخست همسفر انتخاب کن، بعد قدم در راه گذار- پیامبر اکرم(ص)

❖ هنگام بازگشت از سفر برای خانواده خود سوغات بیاورید، هر چند قطعه سنگی باشد- امام صادق(ع)

❖ مردانگی در سفر عبارت است از: بخشیدن از ره توشه خود به همراهان، سازگاری با همسفران و بسیار به یاد خدای عزوجل بودن در هر فراز و نشیب و هر فرود آمدن و برخاستن و شستنی- حضرت علی(ع)

❖ مردانگی در سفر عبارت است از بخشیدن از زاد و توشه خود به همراهان و خوش اخلاقی و شوخی کردن، به شرط آنکه معصیت خدا نباشد- پیامبر اکرم(ص)
❖ انسان نباید به سفیری رود که می‌ترسد در آن به دین و نمازش لطمه‌ای وارد آید- حضرت علی(ع)

❖ هر گاه سه نفر همسفر شدند، از میان خود یک نفر را به سالاری انتخاب کنند- رسول خدا(ص).

سبک سفر



اخلاق سفر به روایت یک مسافرت دسته‌جمعی

رفیق خوش سفر خاطراتی ماندگار برایت می‌سازد

نیره ساری

از قدیم گفته‌اند و شنیده‌ایم که اگر می‌خواهید فردی را خوب شناساید با او به مسافرت بروید. همه ما که تجربه سفر داشته‌ایم به خوبی می‌دانیم که برخی افراد بسیار خوش سفر هستند و سفر را آنها به تجربه‌ای لذتبخش تبدیل می‌شود، اما بعضی افراد هم بدترین همسفرها هستند و آنقدر در طول سفر باعث آزار و اذیت ما و بقیه می‌شوند که به هیچ قیمتی حاضر نیستیم دوباره با آنها سفر برویم. ممکن است با فردی سال‌ها دوست باشید و رابطه خوبی هم داشته باشید اما وقتی برای اولین بار با او همسفر می‌شوید، می‌فهمید که چه اشتباه بزرگی کرده‌اید. سفر به خصوص اگر جمعی باشد سختی‌ها و پیچیدگی‌هایی دارد که با کنار آمدن و انعطاف‌پذیری می‌توانیم ساعت‌ها خوب و خوشی را برای خود و خانواده رقم بزنیم. روایتی را که در ادامه می‌خوانید، تجربه سفر خانوادگی دور رفیق است که آداب و اخلاق سفر دسته‌جمعی را به خوبی می‌توان از آن احصا و ترسیم کرد.

■ ■ ■

با چه کسی سفر برویم؟

مدت‌ها بود دلم هوس سفر کرده بود، با حالی خوش و جیبی که پر از پول باشد، شب و موسیقی و جاده که انتها نداشته باشد. به دلم که نگاه می‌کردم ناخوش بود و به جیبم که سرک می‌کشیدم خالی از پول، به خصوص مشکل اصلی اقامت خانوادگی و هتل را داشتم. چند روزی بود که دیگر فکر سفر را هدایت‌شده از ذهنم بیرون می‌انداختم. اصلاح حس و حال تنهایی سفر رفتن را نداشتم، عصر روز کاری شلوغ در حال جمع کردن وسایل و وراهی شدن به منزل بودم که احمد زنگ زد. بی مقدمه گفت: «علی جان برای یک جلسه کوتاه کاری قصد سفر به شهر مادری را دارم» و بلافاصله پیشنهاد داد در صورتی که می‌توانم همراهش بروم.

سابقه سفر مجردی یک روزه با احمد را داشتم، اما به رغم رفت‌وآمد خانوادگی و نزدیکی سن بچه‌ها در شاکله خانوادگی به دل جاده نزنه بودیم. هنوز نیم ساعت نگذشته بود که احمد دوباره تماس گرفت و گفت: علی ما که می‌خواهیم برویم خب چرا خانوادگی راهی نشویم؟! پیش خودم فکر کردم چندان هم بیراه نمی‌گویم اما برای محل اقامت حتی برای دو شب هم چندان وضعیت مالی مناسبی ندارم. در همین فکر بودم که انگار احمد ذهن مرا خوانده باشد، بی مقدمه گفت، علی به نظرم چنین موقعیتی کم پیش می‌آید، به خصوص که منزل ما درم هم برای اقامت دو شب ما آماده است.

معمولاً افرادی که زیاد به سفر می‌روند و در این زمینه تجربه بیشتری دارند، مناسب‌ترین افراد برای انتخاب به عنوان تدوین‌کننده برنامه سفر هستند. مسافرت با این افراد می‌تواند نکات زیادی را در مورد برنامه‌ریزی به شما بیاموزد.

وقت‌شناسی و خوش‌قولی

به همسرم زنگ زدم و انگار که از خدا خواسته بود سریع اعلام موافقت کرد. چهارشنبه ساعت ۸ شب در قار در مقابل منزل ما بود. احمد مثل همه وعده‌های معمولی رأس ساعت رسید.

-خوش‌قول بودن و سر وعده عمل کردن در سفر به خصوص برای روز اول نشان‌دهنده این است که همسفر شما برای تک‌تک لحظات شما و عزیزان‌تان احترام قائل است و افزون بر این، حکایت از ذوق و شوق آنها برای همراهی شما را دارد.

همراهی با همسفر

سر فلکه خروجی شهر به قصد خرید توقف کردم. هم‌زمان با من پیاده شد. به سمت مغازه اولی رفتم، اما پیشنهاد داد از مغازه بعدی خرید کنیم و گفت مشتری‌های این یکی مغازه کمتر است.

همراهی با همسفران برای خرید، حتی اگر قصد خرید ندرایم هم نشانه ادب و هم یک عملکرد مناسب است.

در نظر گرفتن همسفر

پلیس راه را رد کردیم، احمد جلوتر می‌رفت و من پشت سر حرکت می‌کردم، بعد از پلیس راه کمی آهسته‌تر رفت تا مبلغی را داخل صندوق صدقات بیندازد و کنار ماشین که رسید گفت به نیت هر دو ماشین‌انداختم.

ادب-حکم می‌کند که همسفران خود را در همه شرایط در نظر بگیریم، یعنی به همان اندازه که نگران سلامت

خود و عزیزان‌مان هستیم، نگران سلامتی همسفران خود هم باشیم.

مشورت کردن

قرار بود وعده شام را با غنای خانگی کنار جاده و جای خوب میل کنیم، بعد از یک ساعت احمد کنار جاده ایستاد و تلفنی مشورت گرفت تا با نظر همسر و بچه‌ها فضای که ایستایم را انتخاب کنیم و در نهایت از ماشین پیاده شویم. -مشورت گرفتن در تمامی انتخاب‌ها برای یک سفر خانوادگی در تبه نخست قرار دارد. مدیریت تطبیق دادن نظرات و هدایت و اعمال نظرات افراد مختلف به خصوص کودکان و نوجوانان تبخر و صبوری خاصی را می‌طلبد.

توجه به نظر دیگران

تمایل نداشتن پسر نوجوانم برای پیاده شدن احمد را نه تنها عصبانی نکرد بلکه گفت قطعاً انتخاب فضای شام باید با نظر حسین باشد. بعد از توقف در سه جای مختلف پسر حسین بالاخره به پیاده شدن رضایت داد. این شروع ماجرای بود که در تمام این روز دور حسین با بدخلقی تمامی پیشنهادات را رد می‌کرد اما احمد تمام تلاش خود را می‌کرد تا رضایت



حسین را جلب کند.

-نظر دادن و نظر گرفتن و توجه به خواسته‌های اطرافیان آرامش را در سفر به از رفغان می‌آورد و مانع از بروز دلخوری خواهد شد.

اجازه گرفتن

بلافاصله بعد از پیاده شدن، احمد وسایل ضروری برای صرف شام را از ماشین خالی کرد و سراغ من آمد و با اجازه گرفتن از خودم وسایل ضروری شام را پایین گذاشت و در یک چشم به هم زدن بساط شام مهیا شد. -معمولاً افراد دوست‌نارند بدون اجازه به وسایل‌شان دست بزنیم چرا که اگر گیم شوند، تبدیل به یک ناراحتی می‌شود و این نکته باید در سفر رعایت شود.

د

افراد تنبل از جمله بدترین همسفرها هستند و بهتر است برای انتخاب همسفر روی آنها حساب باز نکنید!
به هیچ وجه حوصله صبح زود بیدار شدن را ندارند و احتمالاً بعد از ظهرها هم به جای گشت‌وگذار و ماجراجویی می‌خواهند چرت بزنند

هر وقت با افرادی معاشرت می‌کنم که مجال سفر داشته‌اند، غالباً صحبت‌هایی درباره اطراف و اکناف دنیا پیش می‌آید که اغلب مرا عمیقاً می‌آزارد. یک مثال از این صحبت‌ها این جمله است: «مردم خیلی جذابی هستند!» که در این عبارت ساکنان یک کشور خاص، آرام و مهربان و بامحبت و خونگرم و خوش‌برخورد توصیف می‌شوند. این حرف برای من تصویر ذهنی «وحشی نجیب»(۱) را می‌سازد؛ تصویری از جامعه‌ای ساده و «تاب» که همان‌طور که می‌دانید بنا واقعیت‌های جهان ما مشوش نشده است، همان اصطلاح عامیانه «دغدغه‌های جهان‌اولی» قدیمی دوباره به ذهن‌خطور می‌کند.

مشکل این حرف آن است که یادآوری می‌کند مسافر، ناظر است و اغلب مسافرانی که می‌شناسم اهل کشورهای استعماری هستند و در جوامع خودشان قدرت و امکانات دارند (در غیر این صورت سفر برای‌شان دشوار می‌بود). اگر سفید پوست باشید و از نظر اجتماعی قدرتمند و به خارج از کشور سفر کنید و افرادی را که می‌بینید با اصطلاح‌های ساده‌انگارانه توصیف کنید، به جای اینکه آنها را انسان‌هایی بدانید که مشغول زندگی روزمره‌شان هستند، در حقیقت، واقعیت زندگی‌شان را حذف می‌کنید و آنها را به جاذبه‌های نمایشی‌های جنینی‌شان تبدیل می‌کنید؛ آدم‌هایی که کارشان سرگرم کردن شماست.

کسانی که انسان‌ها را به این شکل توصیف می‌کنند، اغلب تصاویر فراوانی دارند. از جمله عکس‌هایی که بدون اجازه سوژه گرفته و او را معذب کرده‌اند. به نظر می‌رسد تصویری کلی وجود دارد که عکاسی ته‌اجمی برای گردشگر نه‌فقط مُجاز است، بلکه افراد تشویق می‌شوند که این «مردم جذاب» را در «زیستگاه طبیعی‌شان» مستند کنند، یعنی زمانی که لباس‌های سنتی‌تن‌شان است و آشپزی، کشاورزی و زندگی می‌کنند! وقتی افراد مخالفت می‌کنند که سوژه عکاسی شوند، گردشگران دلخور می‌شوند.

برخی به من می‌گویند باید به دیدن فلان و بهمان جا بروم، چون «مردمش خیلی باصفا و مهربانند»، اما من از شنیدن این حرف می‌خواهم بالا بیاورم. می‌خواهم جاهایی را ببینم که می‌توانم در مقام بازدیدکننده‌های باوجدان در آن حاضر شوم تا چیزهای

د

همسرم پیشنهاد کوهپیمایی سنگین در مسیر معروف کوهستان شهر را برای صبح جمعه‌ها داد. به رغم اینکه اکثریت جمع به جز من و همسرم موافق این کوهپیمایی نبودیم اما احمد با پیشنهاد کوهپیمایی سبک ماچرا را مدیریت و بقیه را ترغیب به کوهپیمایی کرد که اتفاقاً هم بسیار لذتبخش بود.

- گاهی اوقات شاید برنامه جمعی و سفر باب میل ما نیست. همسفر خوب فردی است که در سفر انعطاف به خرج بدهد.
تعیین «مادر خرج» و پرداخت دانگی

سفر د روزه با تمام شد و احمد و همسفر شدن با خانواده‌اش برای من بر از درس و خاطره‌های ماندگار بود. نکته‌سنجی وی به حدی بود که از ابتدای سفر خواست به قول معروف من مادر خرج باشم اما در نهایت با اعتماد کامل به تک‌تک هن‌زینه‌هایی که نوشته بودم، دانگ خانواده را پرداخت کرد. - یکی از چیزهایی که در سفر شما باید شفاف و با احترام مورد بحث قرار بگیرد، مسائل مالی است. معمولاً در سفرها کسی به عنوان مادر خرج شناخته می‌شود و مسئولیت خرج کلی سفر را به عهده می‌گیرد و در انتهای سفر هر زینه هر شخص را اعلام می‌کند. در این شرایط توصیه می‌کنیم مانند مجرم برخورد نکنیم. به یکدیگر اعتماد کنیم و بپذیریم سفر به پول احتیاج دارد.

نگاه

بی‌مبالاتی گردشگران غربی

در سفر به کشورهای اصطلاحاً جهان سوم

این مردم انسان هستند اسباب‌بازی شما نیستند!



گردشگرانی که از اروپا و آمریکا به کشورهای اصطلاحاً جهان سوم سفر می‌کنند، در پست‌های اینستاگرام‌شان که به‌حتمل عکسی با لباس محلی آنهاست، می‌نویسند: «طفلک‌ها، عجب مردمان مهربان و جالبی بودند.» جدای از دلسوزی‌های مضمثن‌کننده، این نوع جذابیت بیشتر به معنای تبدیل آدم‌های محلی به سرگرمی‌های والت‌دیزنی است. افرادی که به جای شهربازی یا سینما، به دیدن آدم‌های روستایی یا جهان‌سومی می‌روند و با آنها سرگرم می‌شوند، یک چیز را یادشان می‌رود: آن انسان‌های جذاب وسیله سرگرمی ما نیستند... مقاله اس.ای. اسمیت (S.E.Smith) گزارشگر گاردین در زمینه عدالت اجتماعی را در این زمینه می‌خوانید.

بیشتری در مورد آن مکان، تاریخش و مردمش بدانم، جایی که می‌توانم به مردمی که در آن زندگی می‌کنند احترام بگذارم و با آنها مثل بتواره برخورد نکنم. نمی‌خواهم برای دیدن «وحشی نجیب»(۱) سفر کنم، بلکه هدفم از سفر افزایش در کم از جهان به شیوه‌ای مسئولانه است، نه با سوءاستفاده از مردم و جوامع‌شان. شنیدن اینکه بعضی اشخاص مردم را دسته جمعی «جذاب» توصیف می‌کنند، رعشه به جانم می‌اندازد. می‌دانم که گوینده درباره جذابیت فردی یک شخص خاص صحبت نمی‌کند، بلکه صحبت از توده‌های انباشته‌شده از لکه‌های به‌ظاهر غیر قابل تشخیص است. وقتی آنها حرف‌شان را ادامه می‌دهند و اضافه می‌کنند که دارند عملاً به جذابیت جسمی اشاره می‌کنند، اوضاع مشمژکننده‌تر هم می‌شود.

سفر مسئولانه نباید ابژه‌سازی در پی داشته باشد، البته نباید انکار کرد که تجربه‌های مثبت هنگام سفر رخ می‌دهند و صحبت درباره آن تجربه‌ها کار خوبی است، اما می‌توان درباره آنها به شیوه‌ای صحبت کرد که توهمین آمیز نباشد، مثلاً به جای گفتن اینکه «این مردم خیلی جذاب هستند!»، باید گفت: «میزبانان من خیلی مهربان بودند و تجربه چندان دردی را در زندگی در کنار آن خانواده عالی بود.»

اشغالگرانی از غرب، قرن‌ها به سرزمین‌های «وحشی»(۱) سفر کرده‌اند و درباره جوامع ساده و «تابی» که در آن سرزمین‌ها یافته‌اند، نامه‌نوشته‌اند و گاهی برای سرگرمی همگانی و جذابیت آشکار، نمونه‌هایی از آن جوامع را با خود به کشورشان برگردانده‌اند. این واقعیت که مشرفان دنیای مدرن نمی‌توانند تاریخ معنی‌دار و ناراحت‌کننده پشت‌برخوردهای اینچنینی با مردم را درک کنند، گواه تلخی است از اینکه چه کسی تاریخ را می‌نویسد و چه کسی در نگارش‌های اجتماعی تسلط دارد

و چه کسی تعیین می‌کند که آدم‌ها چگونه با جهان تعامل کنند. «مردم» چه کسانی هستند؟ وقتی برای زنان هندی ساری‌پوش در بازار محلی غش و ضعف می‌کنید، آیا به تشکل‌های زنان علیه شترت‌های استخراج معادن و مداخلات غرب در هند هم توجه می‌کنید؟ آیا به زنانی توجه می‌کنید که مخالف توریسم هستند و با ابژه‌سازی کارها در جوامع‌شان مبارزه می‌کنند؟ آیا به جوامعی توجه می‌کنید که به جای اینکه بخواهند توریست‌های بی‌مبالات همه جا باشند، خواهان خلوت و احترام هستند؟ چرا که آنها هم «مردم» هستند و وقتی دارید تصمیم می‌گیرید که چه کسی نماینده جامعه است، نباید جذاب‌ترین و تأییدکننده‌ترین اعضای جامعه را گلچین کنید، بلکه به جای این کار باید افراد منتقد را در کنار خوش‌برخوردها بپذیرید، عصبانی‌ها را در کنار مهربان‌ها، برآشفته‌های درستکار را در کنار آدم‌های تحقیرشده و شرمسار، یعنی کسانی که دوست دارید با هرزه‌نگاری فقر و افسانه‌های تراژدی «جهان سوم» باز هم بیشتر به ابژه تبدیل‌شان کنید. این مردم انسان هستند، اسباب‌بازی شما نیستند.

❖ **نقل و تلخیص از وب‌سایت ترجمان / نوشته: اس.ای. اسمیت / ترجمه: الهام آقاباباگلی / مرجع: گاردین**